دستاوردهای ایران از ملی شدن نفت

گزارش ویژه

زهره رحمانی

نهضت ملی شدن نفت، الگویی برای کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد و نیز کشورهای مستعمره گردید. با توجه به تأثیرگذاری جهانی و منطقه‌ای ملی شدن صنعت نفت ایران، این حرکت انقلابی، به سردمداران استعمار انگلیس شوک عمیقی وارد کرد.

در گذشته، ایجاد وابستگی، یکی از ترفندهای کشورهای استعمارگر برای ایجاد سلطه بر کشورهای فقیر دنیا بود. کشورهای استعمارگر از همان ابتدا که شروع به استثمار کشورهای جهان سوم کردند، درصدد ایجاد وابستگی به‌منظور بهره‌برداری از منابع و ثروت آنان بودند، زیرا وابستگی ضمن تأمین منافع کشورهای استعمارگر، مانع از توسعه و استقلال مستعمرات در درازمدت می‌شد؛ چراکه شرط دستیابی به پیشرفت، آزادی و استقلال است و تاریخ تحولات سیاسی‌اجتماعی این کشورها، این موضوع را اثبات کرده که سلطه‌ی خارجی یکی از عوامل بازدارنده‌ی توسعه‌ی سیاسی کشورهای جهان سوم و فلج‌کننده‌ی اقتصاد آن‌ها بوده است.

در این رابطه، مقام معظم رهبری نیز رژیم پهلوی را نمونه‌ای از آن دولت‌های وابسته می‌دانستند که «با نابود کردن کشاورزی ملی و وابسته کردن صنعت ناقص و معیوب و باز گذاشتن دست بیگانگان حریص و نوکران دربار و غارت منابع نفتی و بذل و بخشش ثروت ملی به اربابان آمریکایی، اروپایی و... کشور را تسلیم اراده‌ی قدرت‌های خارجی کرده بود.» ایشان راه برون‌رفت از این وابستگی‌ها را آگاهی و بیداری ملت‌ها می‌دانند و معتقدند: «اراده‌ی خداوند بر بیداری ملت‌ها تعلق گرفته است.»

یکی از نمودهای عینی این سخن را می‌توان در مسئله‌ی ملی شدن صنعت نفت یافت که در آن مردم ایران با آگاهی و بیداری تمام، به مخالفت با استعمار انگلیس، به‌خصوص در زمینه‌ی نفت پرداختند که البته با مخالفت و کارشکنی قدرت‌های بزرگ، یعنی آمریکا و انگلیس و در نهایت کودتای ۲۸ مرداد روبه‌رو گردید. انتظار چنین چیزی هم می‌رفت، زیرا با تحقق این جنبش، اولاً دولت انگلستان منافع اقتصادی حاصل از امتیازات نفتی را از دست می‌داد و ثانیاً نهضت ملی شدن با الگوسازی خود و رهبرانش، می‌توانست زنجیره‌ی ملی شدن و استقلال در سایر کشورها، مانند مصر، اندونزی و... را ایجاد کند و همین امر ترس کشورهای استعمارگر را به دنبال داشت. به همین منظور، به نگاهی اجمالی درباره‌ی این نهضت خواهیم پرداخت.

استعمار، وابستگی و عدم توسعه‌ی درون‌زا

استعمار در ساده‌ترین تعریف، تسلط سیاسی، نظامی، اقتصادی و... یک یا چند دولت بر دولت‌های دیگر به بهانه‌ی آبادانی آنجا، اما در واقع برای تأمین منافع خود است. ماهیت استعمار به‌گونه‌ای است که برای نیل به اهداف خود و «بهره‌برداری از کره‌ی زمین، ارتش عظیمی از داوطلبان و امدادگران را که شامل هزاران نفر از نمایندگان مالی و بازرگانی، کارشناسان ارتشی، پزشکان، مهندسان، جغرافی‌دانان،»[۱] زمین‌شناسان، کارشناسان دیگر سیاسی و صنعتی، آموزگاران و حتی مبلغان مذهبی می‌شود، بسیج می‌کند.

در این رابطه، پیشگامان اولیه‌ی استعمار، دو کشور اروپایی اسپانیا و پرتغال بودند. بعد از آن، بسیاری از کشورهای آسیا و آفریقا و آمریکای لاتین، تحت استعمار سایر کشورهای اروپایی درآمدند و بنابراین باید گفت استعمار در مفهوم جدیدش، که مربوط به چند صد سال اخیر می‌شود، مفهومی کاملاً اروپایی بود. این قدرت‌ها برای حفظ منافع اقتصادی خود، معمولاً یا آن کشورها را مستقیماً تحت عنوان مستعمره، استثمار می‌کردند یا اینکه آن‌ها را به‌عنوان کشورهای تحت‌الحمایه اداره می‌نمودند و با اعمال زور، بر آنان مسلط می‌شدند و شروع به چپاول و غارت منابع و ثروت آنان می‌کردند.

به‌عنوان مثال، هندوستان که به مدت یک قرن و نیم مستعمره‌ی انگلستان بود، «یک منبع ثروت بیکران برای انگلستان به حساب می‌آمد.»[۲] در حالی که هیچ آبادانی یا اقدام مثبتی برای مردم فقیر آن با استفاده از منابع خودشان صورت نگرفت. یا «در کشور نپال، طی صد سال و اندی، رژیم دست‌نشانده‌ی انگلیس حتی یک واحد مهم صنعتی احداث نکرد. مردم این کشور کوهستانی، همیشه از نداری، بی‌سوادی و بیماری‌های گوناگون رنج می‌بردند.»[۳] زیرا ماهیت سیستم استعماری به‌گونه‌ای است که همواره مانع هرگونه توسعه‌ی درون‌زا در کشورهای مستعمره می‌شود.

توسعه‌ی درون‌زا توسعه‌ای است خودمدار که مفهوم آن تکیه بر خود برای اداره‌ی کشور و نیز تعامل با دنیای خارج است. البته کشورهای آمریکای لاتین هم از این قاعده مستثنا نبودند. «کشتارهایی که در زمان تصرف مناطق آمریکای لاتین و بعد از تسلط بر آن‌ها شد، با میکروب‌ها و ویروس‌های بیماری‌های مسری که اروپاییان با خود به ارمغان آورده بودند و پیش از آن در آمریکا وجود نداشت و با استثمار شدید افراد، چه در بخش کشاورزی و چه در بخش استخراج معادن، دست‌به‌دست هم دادند و بنیان این مردم را برانداختند.»[۴]

نمونه‌ی ملموس‌تر استعمار، کشور ایران است. ایران به دلیل منابع سرشار طبیعی، اعم از منابع نفتی و کشاورزی و همچنین موقعیت جغرافیایی خاصش، همواره مورد تهاجم کشورهای استعمارگر بوده است. آغاز استثمار ایران به مفهوم جدیدش، به اوایل قرن نوزدهم و نیز دوره‌ی قاجار برمی‌گردد که طی قراردادی، ایران رسماً به‌عنوان مستعمره‌ی روسیه و انگلیس بین دو کشور تقسیم گردید. از آن دوره به بعد، تا قبل از پیروزی انقلاب، کشور وابسته به بیگانگان بود. طی این دوره، جنبش‌هایی چون انقلاب مشروطه، نهضت تنباکو یا ملی شدن نفت صورت گرفت، اما کارشکنی بیگانگان و به‌خصوص انگلیس و بعدها آمریکا مانع از موفقیت کامل آن‌ها می‌گردید. با این حال، جنبش ملی شدن نفت، در دوره‌ای که بسیاری از کشورهای آسیایی زیر یوغ استعمارگران بودند، جنبشی مهم برای رهایی از وابستگی بود که با آگاهی کامل مردم و نیز همراهی روحانیون صورت گرفت.

ملی شدن نفت، فرار از وابستگی

نفت یا طلای سیاه از همان ابتدای کشف، با طمع قدرت‌های استعمارگر بین‌المللی مواجه شد. البته ریشه‌ی تسلط انگلیس بر نفت ایران را باید در قرارداد دارسی جست. یکی از امتیازات این قرارداد، که در سال ۱۹۱۰ با دارسی بسته شد، حق کشف و استخراج نفت به مدت شصت سال بود که سهم ایران در صورت کشف و استخراج، تنها شانزده درصد بود. زمانی که اولین چاه نفت در ایران در منطقه‌ی مسجد سلیمان در استان خوزستان توسط یک شرکت انگلیسی کشف شد، دولت وقت ایران هیچ آگاهی و درکی از این اتفاق مهم نداشت. اما کاشفان آن به‌خوبی می‌دانستند به چه ثروت عظیمی در ایران دست یافته‌اند و پایه‌های استعمار خود در ایران را با قراردادهای استثماری استخراج، تولید و فروش نفت خام ایران بنا نهادند و وارد حوزه‌ی فعالیت‌های نفتی ایران شدند و سال‌ها سرمایه‌ی مردم ایران را به تاراج بردند.

اما زمانی که ایرانیان پی بردند منابع نفت به‌وسیله‌ی خارجیان چپاول می‌شود و سهمیه‌ای که حق ملت ایران است، پایمال می‌گردد، زبان به اعتراض گشودند. در یکی از اقدام‌های عملی، مجلس شورای ملی در ۱۰ آذر ۱۳۱۱ اقدام به لغو قرارداد دارسی کرد که در شرایط استبداد تحصیل شده بود و اعتبار قانونی نداشت، اما دولت انگلیس زیر بار این قانون نرفت.

در نهایت، با اوج گرفتن اعتراضات مردم، انگلستان مجبور به عقد قرارداد گس-گلشائیان شد که البته تفاوت چندانی با قرارداد دارسی نداشت و تنها سهم ایران از شانزده درصد به بیست درصد تغییر کرده بود و باز هم نتوانست موجبات رضایت مردم را فراهم کند. اما در ادامه و با گذشت زمان و علی‌رغم اعتراض دولت انگلستان، مجلس شورای ملی در جلسه‌ی ۲۴ اسفند ۱۳۲۹، قانون ملی کردن صنعت نفت را در یک ماده و دو تبصره به تصویب گذاشت و در ۲۹ اسفند، مجلس سنا هم بر آن صحه گذاشت. ملی کردن صنعت نفت ایران یکی از مهم‌ترین گام‌های اقتصادی در تاریخ نوین ایران بود که در ابتدا با اعتراض و مخالفت جدی دولت انگلستان و سپس آمریکا مواجه شد.

دولت انگلیس، که با تصویب این قانون منافع خود را در خطر می‌دید، برای جلوگیری از به ثمر نشستن حرکت ملی شدن صنعت نفت، از تمامی شگردهای ممکن استفاده کرد. یکی از این شگردها، تحریم نفت ایران در نیمه‌ی اول سال ۱۳۳۰با هدف به خطر انداختن ثبات سیاسی و اقتصادی کشور بود. البته اتخاذ چنین رویکردی از دولت انگلستان چندان هم عجیب نبود، چون در درازمدت، این اقدام از بُعد سیاسی، اقتصادی و حتی جهانی کاملاً به زیانش بود.

سودها و زیان‌های ناشی از امتیازات نفت

حرکت ملی شدن صنعت نفت در شرایطی شکل گرفت که ایران بزرگ‌ترین تولیدکننده‌ی نفت خام خاورمیانه بود و پس از آمریکا، ونزوئلا و شوروی سابق، چهارمین تولیدکننده‌ی معتبر نفت خام دنیا محسوب می‌شد. این در حالی بود که بیشترین سود حاصل از تولید و فروش نفت، نصیب دولت انگلستان و سایر شرکت‌های نفتی می‌شد. آنان در ازای امتیازاتی که گرفته بودند، مبالغ بسیار ناچیزی به ایران پرداخت می‌کردند.

بنابراین طبیعی بود که در برابر سود کلانی که می‌بردند، مخالف ملی شدن نفت و نیز حل بحران نفت باشند. در این رابطه، مصدق معتقد بود یکی از عللی که مانع حل بحران نفت گردید، «منافعی بود که بعضی از شرکت‌های عظیم نفتی در منطقه‌ی خاورمیانه دنبال می‌کردند و می‌ترسیدند که در صورت حل مشکل نفت براساسی که دولت ایران پیشنهاد می‌کند، منافع آن‌ها دچار مخاطره گردد؛»[۵] «زیرا طبق آمارهای رسمی، درآمد خالص شرکت نفت ایران و انگلیس ۸۹۵ میلیون لیره بوده که فقط ۱۰۵ میلیون لیره‌ی آن به دولت ایران رسیده بود. این مبلغ، ۱۱/۹ درصد درآمد کل شرکت بود، در حالی که طی همین دوره، فقط شرکت ۱۷۵میلیون لیره به دولت انگلستان پرداخت کرد که ۱۹/۵ درصد از درآمد آن را شامل می‌شد.»[۶] «یا طبق آمارهای دیگر، حق‌السهم ایران بابت عایدات نفت در سال ۱۹۳۱ فقط ۳۰۲ هزار لیره بود.»[۷] و تا پایان سلطنت رضاشاه شرکت نفت مجموعاً در حدود پنجاه میلیون لیره به عنوان حق‌السهم دریافت کرد که قسمت اعظم آن به‌صورت اسلحه و مهمات برای ارتش ایران بود و آن هم پس از حمله‌ی متفقین، به دست خودشان افتاد.»[۸]

آنچه از این آمارها مشخص می‌گردد این است که عملاً ایران از درآمد حاصل از فروش نفت طی سال‌هایی که شرکت‌های خارجی بر نفت استیلا داشتند، در واقع محروم بوده و در مقابل، دولت انگلستان سود کلانی را از این بابت کسب کرده است. بنابراین اولین نتیجه‌ی جنبش ملی شدن نفت، ضررهای اقتصادی بود که البته تنها شامل مسئله‌ی اقتصادی نمی‌شد، بلکه در سایر ابعاد نیز این کشور را با مشکل مواجه می‌کرد:

تأثیرات جهانی ملی شدن نفت

علت دیگر مخالفت انگلستان با نهضت ملی شدن نفت این بود که این جنبش الگویی برای کشورهای مشابه ایران گردد که البته همین‌طور هم شد. نهضت ملی شدن نفت، که بر استقلال و آزادی از قدرت‌های خارجی به‌خصوص انگلیس تأکید داشت، الگویی برای کشورهای عضو جنبش عدم‌تعهد و نیز کشورهای مستعمره گردید. با توجه به تأثیرگذاری جهانی و منطقه‌ای ملی شدن صنعت نفت ایران، این حرکت انقلابی، به سردمداران استعمار انگلیس شوک عمیقی وارد کرد. به فاصله‌ی چهار ماه پس از ملی شدن نفت ایران، روزنامه‌ی الاهرام در تاریخ ۹ تیر ۱۳۳۰ در مقاله‌ای با نام «در پیرامون ملی کردن صنایع و مؤسسات در مصر و لزوم انجام آرمان‌های ملی»[۹] موضوع ملی کردن کانال سوئز را مطرح کرد.

چند سال بعد نیز در اقدامی عملی، جنبش ملی شدن کانال سوئز به رهبری جمال عبدالناصر صورت گرفت که همسو با نهضت ملی کردن نفت بود و همان‌طور که خود جمال عبدالناصر نیز اعلام کرد، وی از تأثیر ملی شدن صنعت نفت ایران درس آموخته بود. احمد سوکارنو نیز از رویکرد ایران در مبارزه با استعمار انگلیس برای مبارزه با هلندی‌ها استفاده کرد و از آن الهام گرفت.

تأثیر ملی شدن نفت ایران در حدی بود که «ایران‌زمین از لحاظ تأثیرگذاری بر تحولات قاره‌ی آسیا، فرانسه‌ی آسیا خوانده شد.»[۱۰] این در حالی بود که جنبش ملی کردن نفت نتوانسته بود به اهداف واقعی خود برسد. حال اگر این نهضت به موفقیت کامل می‌رسید، قطعاً می‌توانست تأثیرات عمیق‌تری داشته باشد. بنابراین سکوت و موافقت انگلستان با جنبش ملی ایرانیان می‌توانست به منزله‌ی پایان سلطه‌ی سیاسی‌اش در ایران و حتی خاورمیانه نیز باشد.

از دست دادن تسلط سیاسی

طی دوران مذکور، انگلستان اولین و مهم‌ترین بازیگر خارجی و رسمی در امور سیاسی و اقتصادی ایران بود. این کشور که از دوران قاجار توانسته بود ایران را تحت سلطه‌ی خود درآورد، از طریق نفت سلطه‌ی سیاسی هم یافته بود، زیرا تمام اقتصاد ما بر پایه‌ی نفت بود و نفت در اختیار انگلستان قرار داشت. بنابراین از دست دادن امتیازات نفت به‌نوعی پایان سلطه‌ی سیاسی نیز محسوب می‌شد. نفوذ سیاسی انگلیس در حدی بود که شاه عملاً در بسیاری از امور، کاملاً تابع دولت انگلستان بود: «انگلیسی‌ها نفوذ فوق‌العاده و شناخت بسیار از اوضاع اجتماعی‌اقتصادی ایران در طول یک قرن و نیم به صورت ممتد داشتند که قدرت مانور شاه را شدیداً محدود می‌کرد.»[۱۱]

طی این دوران، دولت انگلستان در بسیاری از امور سیاسی ایران، اعم از انتقال قدرت از رضاشاه به فرزندش و... نقش مستقیم داشت و از این راه منافع خود را تأمین می‌کرد. از طرفی محمدرضاشاه نیز به‌نوعی مجبور به تبعیت از خواسته‌های انگلیس بود. بنابراین طبیعی بود که استقلال اقتصادی، زمینه‌ی استقلال سیاسی را نیز فراهم کند.

تبعات ملی شدن صنعت نفت آن‌چنان ضربه‌ی هولناکی بر استعمار انگلستان وارد نمود که به تحریم صادرات نفت ایران مبادرت کرد. این موضوع «دولت را با مشکلات حاد اقتصادی مواجه کرد و علاوه بر سیاست خارجی و داخلی اقتصاد نیز درگیر مشکل نفت شد. این مشکلات اقتصادی بدون شک در زمینه‌سازی کودتا و سقوط دولت ملی، مؤثر بود.»[۱۲] و متأسفانه با تشکیل دولت کودتا، دولت انگلستان، به همراه رقیب نوظهور خود، آمریکا توانست بسیاری از امتیازات ازدست‌رفته را به دست آورد.

بنابراین گرچه حرکت ملی شدن صنعت نفت تاحدودی توانست منافع مردم ایران را در قراردادهای نفتی حفظ کند، اما تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، تمام قطعات و تجهیزات مورد نیاز صنعت نفت از خارج وارد می‌شد و پایانی برای حضور شرکت‌های نفتی خارجی در صنعت نفت ایران متصور نبود. با این حال، این جنبش قدمی مهم در مبارزه با استعمار و رهایی از وابستگی از کشورهای استعمارگر برداشت که نشان از آگاهی مردم و روحانیون و نیز عزم آنان در مبارزه با غارت و چپاول بیگانگان داشت.

همان‌طور که رهبر انقلاب نیز فرمودند: «انگلیسی‌ها نفت ایران را مِلک شخصی خود به حساب آورده بودند و ده‌ها سال استفاده‌ی غاصبانه می‌کردند و مال ملت ایران را تقریباً مفتِ مفت می‌بردند... اما این بساط را نهضت ملی شدن صنعت نفت به هم زد.» بنابراین هرچند این نهضت نتوانست اهداف آرمانی خود را تحقق بخشد، اما پیشرو در راه آزادی و استقلال بود و با الگوسازی خود برای سایر کشورها، موقعیت استعمار انگلیس را در منطقه‌ی خاورمیانه به‌شدت به خطر انداخت و نقطه‌ی آغاز خروج انگلیس استعمارگر از منطقه‌ی خاورمیانه را رقم زد.

پی‌نوشت: [۱]شیخ نوری، محمد امیر (۱۳۸۶)، «عملکرد استعمار در جهان و ایران»، نشریه‌ی زمانه، شماره‌ی ۵۶، ص ۱۹. [۲] شیخ نوری، همان، ص ۱۹. [۳] همان، ص ۲۰. [۴] همان. [۵] ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، روابط خارجی ایران ۵۷-۱۳۲۰، نشر قومس، ص ۲۲۱. [۶] محمدعلی (همایون) کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران، ج ۱، ترجمه‌ی محمدرضا نفیسی، تهران، پاپیروس، ۱۳۶۶، ص ۶۵. [۷] هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۵)، روابط خارجی ایران از ابتدای دوران صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم، انتشارات امیرکبیر، ص ۳۸۸. [۸] همان، ص ۳۹۰. [۹] فرهمند عراقی، علی (۱۳۸۲)، «تأثیرات خارجی جنبش ملی نفت ایران»، فصلنامه‌ی تاریخ روابط خارجی، شماره‌ی ۱۵، ص ۲۳. [۱۰] همان، ص ۱۴. [۱۱] ازغندی، علیرضا (۱۳۸۴)، روابط خارجی ایران ۵۷-۱۳۲۰، نشر قومس، ص ۴۶. [۱۲] «از بلای سیاه تا نفرین منابع»، اقتصاد انرژی، ۱۳۸۸، شماره‌ی ۱۲۴، ص ۲.(برهان)

محک
مؤسسه خیریه حمایت از
کودکان مبتلا به سرطان
mahak-charity.org
با ما تماس بگیرید: ۰۲۱-۲۳۵۴۰
و یا با شماره گیری کد #۷۲۰* از طریق تلفن همراه، ما را یاری دهید.
برای بازدید از این مجموعه که حاصل عشق شماست با ۲۳۵۰۱۲۱۰ تماس بگیرید.

آگهی ابلاغ وقت دادرسی به خوانده کلاسه پرونده ۹۵۱۲۵۰/۶۶۰ وقت رسیدگی - ۹۶/۲/۹ ساعت ۱۶ خواهان - ناصر میرزائی خوانده - حسن هاشمی خواسته - مطالبه وجه بابت اجور معوقه خواهان دادخواستی تسلیم شورای حل اختلاف نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۶۵۹ ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده بعلت مجهول المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آد م مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الا نتشار آگهی می شود تا خوانده از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور میرساند چنانچه بعدا ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ۱۰ روز خواهد بود.
۱۱۰/۱۵۲۱۳۱ مدیر دفتر شعبه ۶۶۰ دادگاه حقوقی تهران

حصر واثت مهناز نبوی طهران فرد به شماره شناسنامه ۵۵۹۹ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۵۱۲۵۴/۶۶۰ از این شعبه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان حسین گیلاسی به شماره شناسنامه ۶۵۴۰ در تاریخ اقامتگاه دانمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: مانده گیلاسی ش ش ۴۵۶۱ ت ت ۱۳۸۱ صادره از تهران دختر متوفی مهناز نبوی طهران فرد ش ش ۵۵۹۹ ت ت ۱۳۵۵ صادره از تهران همسر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تهران تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
۱۱۰/۱۵۲۱۲۶ دبیر شعبه ۶۶۰ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۱۴ تهران

تاریخ رسیدگی -۹۵/۱۰/۲۹ شماره پرونده ۹۵۷۳۰/۶۶۰ شماره دادنامه ۹۵۰۹۹۷۱۰۶۶۰۰۱۱۳۰ مورخ ۹۵/۱۰/۲۹ مرجع رسیدگی شعبه ۶۶۰ شورای حل اختلاف م ۱۴ تهران خواهان-محمدرضا شفیعی با وکالت سونیا بشری نقشبند خوانده-حسین جان محمدی خواسته -الزام خوانده به ایفای تعهدی دائر به پرداخت مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال بابت خسارت وارده به خودرو و کلیه خسارات دادرسی و خسارت تاخیر تادیه گردش کار-خواهان دادخواستی به خواسته فوق بطرفیت خوانده تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شورا و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده مقرر شعبه بتصدی امضا کننده زیر تحت نظر قرار گرفت با توجه به محتویات پرونده پس از اخذ نظریه مشورتی مورخ ۹۵/۱۰/۲۹ اعضای محترم شعبه ۶۶۰ ختم رسیدگی را اعلام و بشرح زیر مبادرت به صدور رای می نماید.
رای قاضی شورا -در خصوص دعوی مطروحه محمدرضا شفیعی با وکالت سونیا بشری نقشبند ورق به طرفیت حسین جان محمدی به خواسته الزام خوانده به ایفای تعهد دائر به پرداخت مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ معادل پنج میلیون تومان مستند به رسید عادی به انضمام کلیه خسارات دادرسی با توجه به مدارک و مستندات ابرازی خواهان و ملاحظه به محتویات پرونده و اظهارات وکیل خواهان در جلسه دادرسی مورخه ۹۵/۱۰/۲۲ و علیرغم ابلاغ وقت دادرسی خوانده از طریق نشر آگهی در روزنامه مشارالیه در جلسه دادرسی حاضر نشده و دفاع موثری را از خود معمول نداشته است فلذا به نظر شورا دعوی خواهان وارد تشخیص داده شده و مستندا به ماده ۱۰ قانون مدنی و ماده ۱۹۸ قانون آئین دادرسی مدنی حکم به محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۵۰۰۰۰۰۰۰ ریال معادل پنج میلیون تومان بابت اصل خواسته و مبلغ هشتاد و دو هزار تومان بابت هزینه دادرسی و حق الوکاله وکیل طبق تعرفه قانونی در حق خواهان صادر و اعلام گردید و در خصوص تاخیر تادیه با توجه به عدم وجود دین قرار رد صادر گردید رای غیابی ظرف مدت بیست روز پس از ابلاغ قابل واخواهی در همین محل می باشد.
۱۱۰/۱۵۲۱۲۳ شعبه ۶۶۰ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۱۴ تهران

آگهی ابلاغ وقت دادرسی به خوانده کلاسه پرونده ۹۵۱۰۷۶/۶۶۰ وقت رسیدگی - ۹۶/۲/۱۱ ساعت ۱۵:۳۰ خواهان - محمد باقر اللهی نجف آبادی با وکالت محمد محمدی خوانده - مهدی حاج محمد بروجردی خواسته -مطالبه وجه خواهان دادخواستی تسلیم شورای حل اختلاف نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۶۶۰ ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده بعلت مجهول المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آد م مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الا نتشار آگهی می شود تا خوانده از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور میرساند چنانچه بعدا ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ۱۰ روز خواهد بود.
۱۱۰/۱۵۲۱۱۸ مدیر دفتر شعبه ۶۶۰ دادگاه حقوقی تهران

اجرائیه محکوم له -رامین رحمتی محکوم علیه -وحید محمدی جوجافکی محکوم به -به موجب درخواست اجرای حکم مربوطه به شماره ۹۵۱۰۰۹۱۰۶۶۰۰۱۱۰۴ و شماره دادنامه مربوطه ۹۵۰۹۹۷۱۰۶۶۰۰۸۷۵ محکوم علیه محکوم است به پرداخت مبلغ سه میلیون ریال بابت رسید انتقال مورخ ۹۴/۱۰/۲۱ بانضمام مبلغ هشتصد هزار ریال بابت هزینه دادرسی و خسارت تاخیر تادیه از تاریخ تقدیم دادخواست ۹۵/۶/۲۴ لغایت یوم الوصول در حق خواهان صادر و اعلام میگردد رای صادره غیابی و نیم عشر دولتی بر عهده محکوم علیه در صندوق دولت میباشد.
۱۱۰/۱۵۲۱۱۲ دبیر شعبه ۶۶۰ مجتمع شماره ۱۴ شورای حل اختلاف تهران

حصر واثت آقای علیرضا اله دادی به شماره شناسنامه ۳۱۳ به شرح دادخواست به کلاسه ۹۵۱۲۷۳/۶۶۰ از این شعبه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان فاطمه فتح اله کیکانی به شماره شناسنامه ۲۶۴۸۰ در تاریخ اقامتگاه دائمی خود بدرود زندگی گفته ورثه حین الفوت آن مرحوم منحصر است به: مرتضی اله دادی ش ش ۴۲۱ ت ت ۱۳۴۰ صادره از تهران پسر متوفی علیرضا اله دادی ش ش ۳۱۳ ت ت ۱۳۴۳ صادره از تهران پسر متوفی حسن اله دادی ش ش ۳۲۲ ت ت ۱۳۴۵ صادره از تهرا ن پسر متوفی طوبی اله دادی ش ش ۷۲۰ ت ت ۱۳۳۵ صادره از تهران دختر متوفی حلیمه اله دادی ش ش۱ ت ت ۱۳۳۶ صادره از تهران دختر متوفی اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را در یک نوبت آگهی می نماید تا هر کسی اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر نخستین آگهی ظرف یکماه به دادگاه تهران تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد.
۱۱۰/۱۵۲۱۰۷ دبیر شعبه ۶۶۰ شورای حل اختلاف مجتمع شماره ۱۴ تهران

آگهی ابلاغ وقت دادرسی به خوانده کلاسه پرونده ۹۰۲/۲۵۳/۹۵ وقت رسیدگی - ۹۶/۲/۳ ساعت ۱۵:۳۰ خواهان - فرهاد نقش کار خوانده - حبیب موحد نژاد خواسته -مطالبه وجه خواهان دادخواستی تسلیم دادگاههای عمومی نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲۵۳ ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده بعلت مجهول المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آد م مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الا نتشار آگهی می شود تا خوانده از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور میرساند چنانچه بعدا ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ۱۰ روز خواهد بود.
۱۱۰/۱۵۲۱۰۳ مدیر دفتر شعبه ۲۵۳ دادگاه حقوقی تهران

ابلاغیه مشخصات ابلاغ شونده حقیقی-شرکت تولیدی برودتی پارسا سازان تاریخ حضور-۹۶/۲/۱۳ ساعت ۱۷ علت حضور-در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی به دادخواست تقدیمی شجاعی سی و سه پیک در این دادگاه حاضر شوید.
ضمنا به پیوست نسخه ثانی دادخواست و ضمایم ارسال می گردد.
۱۱۰/۱۵۲۱۰۰ شعبه ۲۵۹ مجتمع شماره ۶ شورای حل اختلاف تهران

آگهی ابلاغ وقت دادرسی به خوانده کلاسه پرونده ۹۵۰۷۰۵/۲۵۱ وقت رسیدگی - ۹۶/۲/۲۶ ساعت ۱۷:۳۰ خواهان - مجید اجاقی خوانده - علی اصغر علی آبادی -اصغر امینی علی آبادی خواسته -مطالبه وجه خواهان دادخواستی تسلیم شورای حل اختلاف نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲۵۱ ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده بعلت مجهول المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آد م مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الا نتشار آگهی می شود تا خوانده از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور میرساند چنانچه بعدا ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ۱۰ روز خواهد بود.
۱۱۰/۱۵۲۰۹۵ مدیر دفتر شعبه ۲۵۱ دادگاه حقوقی تهران

آگهی ابلاغ وقت دادرسی به خوانده کلاسه پرونده ۹۵۰۶۱۲/۲۵۱/۹۵ وقت رسیدگی - ۹۶/۲/۳۱ ساعت ۱۶ خواهان - امیر مسعود کاظمینی خوانده - کاوس رمضان زاده خواسته -مطالبه وجه خواهان دادخواستی تسلیم شورای حل اختلاف نموده که جهت رسیدگی به شعبه ۲۵۱ ارجاع گردیده و وقت رسیدگی تعیین شده بعلت مجهول المکان بودن خوانده به درخواست خواهان و دستور دادگاه و به تجویز ماده ۷۳ قانون آد م مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیر الا نتشار آگهی می شود تا خوانده از تاریخ نشر آخرین آگهی ظرف یک ماه به دفتر دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دادخواست و ضمائم را دریافت نماید و در وقت مقرر بالا جهت رسیدگی حضور میرساند چنانچه بعدا ابلاغی بوسیله آگهی لازم شود فقط یک نوبت منتشر و مدت آن ۱۰ روز خواهد بود.
۱۱۰/۱۵۲۰۹۰ مدیر دفتر شعبه ۲۵۱ دادگاه حقوقی تهران

ابلاغ دادنامه بنام اکبر نیک پیکران فرزند اسداله در خصوص دعوی شرکت نفت بهران به مدیریت اسعد عزیزی با نمایندگی حسین جعفریان به طرفیت شرکت ساختمانی و راه سازی تاریر به مدیریت کاظم و سعید سیامکی به خواسته مطالبه وجه چک به مبلغ ۲۷۶۵۶۵۶۴۱۴ ریال وجه ۱ فقره چک به شماره های ۷۹۶۸۴۱-۷۹۶۸۳۳ عهده بانک سپه و نیز خسارات دادرسی و تاخیر تادیه نظر به محتویات پروند ه از جمله دادخواست تقدمی خواهان تصویر مصدق مستندات دعوی که از اشتغال ذمه خوانده در برابر دعو ی خواهان حکایت دارد و اینکه ایراد و دفاعی در مقابل دعوی مطروحه بعمل نیامده است و دلیلی که مبین برائت ذمه باشد ابراز نشده است بدین ترتیب دعوی خواهان موجه و ثابت تشخیص علیهذا به استناد مواد ۳۱۳ قانون تجارت و مواد ۱۹۸-۵۱۵-۵۱۹-۵۲۲-۱۹۴ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۷۹ و ماده ۲ قانون صدور چک حکم بر محکومیت خوانده به پرداخت مبلغ ۲۷۶۵۶۵۶۴۱۴ ریال از بابت اصل خواسته و با احتساب کامل خسارات دادرسی و نیز به پرداخت خسارت تاخیر تادیه از تاریخ سر رسید چک مستند دعوی تا زمان پرداخت در حق خواهان صادر و اعلام می گردد این رای غیابی است و ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه و سپس ظرف بیست روز قابل تجدیدنظر در محاکم تجدیدنظر استان تهران می باشد.
۱۱۰/۱۵۲۰۸۵ شعبه ۴۷ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران

دادنامه پرونده کلاسه ۹۵۰۹۹۸۲۱۶۲۱۰۰۴۹۱ شعبه ۸۹ دادگاه عمومی حقوقی مجتمع قضایی شهید صدر تهران تصمیم نهایی شماره ۹۵۰۹۹۷۲۱۶۲۱۰۱۲۸۶ خواهان - حمید عمادی فرزند جواد با وکالت رقیه قانع فرزند محمد -سعیده دشتی خویدکی فرزند علی خواندگان-رضا نسودیان فرزند حسین-شرکت کشت صنعت سپید گوشت صدرا- خواسته ها -مطالبه وجه چک -تامین خواسته -مطالبه خسارت دادرسی -مطالبه خسارت تاخیر تادیه گردشکار -خواهان دادخواستی به خواسته فوق به طرفیت خوانده بالا تقدیم داشته که پس از ارجاع به این شعبه و ثبت به کلاسه فوق و جری تشریفات قانونی در وقت فوق العاده دادگاه به تصدی امضا کننده زیر تشکیل است و با بررسی اوراق محتویات پرونده ختم دادرسی را اعلام و بشرح ذیل مبادرت به صدور رای می نماید.
رای دادگاه -در خصوص دعوی حمید عمادی فرزند جواد با وکالت سعیده دشتی خویدکی و رقیه قانع بطرفیت شرکت کشت و صنعت سپید گوشت صدرا و آقای نسودیان فرزند حسین به خواسته مطالبه مبلغ ۵۶۰۰۰۰۰۰۰ ریال وجه چک شماره های ۰۳۷۷۴۴ الی ۰۳۷۷۵۰ جملگی به عهده بانک ملت شعبه چهارراه قصر بانضمام خسارت تاخیر تادیه و سایر خسارات دادرسی دادگاه نظر به اینکه صدور و وجود اصل مستند در ید خواهان دلالت بر اشتغال ذمه خواندگان به میزان وجه مندرج در متن آن در مقابل خواهان را دارد و با توجه به اینکه مستند مرقوم از هر گونه تعرض مصون مانده و به اصالت آن خدشه ای وارد نشده و خواندگان با وصف ابلاغ قانونی در جلسه دادگاه حاضر نشده اند و در قبال دعوی مطروحه ایراد و تکذیبی به عمل نیامده است و دلیلی دائر بر پرداخت وجه سند مورد دعوی و تحصیل برائت ذمه از سوی خواندگان ابراز نگردیده لذا دادگاه دعوی را محمول بر صحت تشخیص و با احراز مدیونیت خواندگان و استصحاب بقا دین مستندا به مواد ۳۱۰-۳۱۳-۴۰۳ قانون تجارت و ۱۹۸-۵۱۹-۵۲۲-۵۰۲-۵۱۵ قانون آئین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ و ماده ۱۹ صدور چک مصوب ۱۳۵۵ با اصلاحات بعدی و تبصره الحاقی به ماده ۲ قانون صدور چک مصوب ۷۶/۳/ ۱۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام و قانون استفساریه تبصره مذکور مصوب مجمع مزبور مورخ ۷۷/۹/۲۱خواندگان را بصورت تضامنی به پرداخت مبلغ ۵۶۰۰۰۰۰۰۰ریال بابت اصل خواسته و پرداخت حق الوکاله وکیل و هزینه دادرسی طبق تعرفه قانونی و نیز خسارت تاخیر تادیه بر مبنای نرخ تورم از تاریخ چک تا زمان وصول آن که توسط واحد اجرای احکام از بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استعلام می شود در حق خواهان محکوم می نماید رای صادره غیابی و ظرف بیست روز از ابلاغ قابل واخواهی در این دادگاه سپس ظرف مدت بیست روز از تاریخ ابلاغ قابل تجدیدنظر در محاکم محترم تجدیدنظر استان تهران می باشد .
۱۱۰/۱۵۲۰۷۹ رئیس شعبه ۸۹ دادگاه عمومی حقوقی تهران

موسسه خیریه کهریزک
مرکز نگهداری، درمان و آموزش معلولین و سالمندان غیردولتی، غیرانتفاعی، مردمی
زندگی در دستان تو سبز می‌شود.
سال نو و روز مادر مبارک
روابط عمومی: ۸۸۳۱۰۶۸۸
کمک‌های مردمی: ۴۲۱۱۴
www.kahrizak.com
@kahrizakcharity
#۰۷۰۶۰۳
#۰۷۳۳۰۱۰۰۰۱
#۰۷۸۰۰۴۳۲۱
#۰۷۸۰۰۴۲۱۱۴